

موسیقی

« ... روزیکه حسن حیدریور کشته شد درست ۲۰ روز از تاریخ از دواجش میگذشت ... از او پسری بدبیا خواهد آمد، پسری که مثل پدر کارگوش قهرمان و شرافتمند خواهد بود. پسری که مثل پدرش برای مرگ نخواهد زیست، بلکه در راه زندگی از مرگ نخواهد هراسید من لائمی صلح را برای پسر حسن حیدریور و تمام فرزندان کارگران که بهترین و نازنین ترین فرزندان روی زمین هستند می‌نویسم و کوشش می‌کنم که شایستگی تقدیم پانها را داشته باشم

فروردین ۱۳۳۰ - تعیین باغچه بان

در باره رسمیتال آواز ئولین

و «لائمی صلح» تعیین باغچه بان

شب جمعه اول شهریور پانئولین باغچه بان دستپال آوازی در خانه فرهنگ ایران با اتحاد جهابیر شوروی اجرا کرد که از چند نظر قابل توجه بود و آنچنان مورد پسند عامه قرار گرفت که در ۲۳ شهریور یکبار دیگر تجدید شد.

انتخاب قطعات، طرز اجرای آنها، و پارچه‌یی که از تعیین باغچه بان اجراء شد، توجه شنوندگان را باین دستپال زیاد تر میکرد دستپال شامل قطعاتی از «بندتومارچلو»، «آتونیو کالدرا»، «مانول دو فایسا»، «شوبرت»، «فسر کلمان» و تعیین باغچه بان بود.

بطور کلی اجرای پارچه های برنامه بسیار خوب بود و بسا احساس لازم از موسیقی و پاکوشش فراوان تا حد مقدور اثر خواسته شده را ایجاد میکرد. مثلا در دو اثر «آلباینومورونو» و «پولو»

از «مانول دوفایا» که بر پایه آهنگهای محلی ساخته شده است حالتها
بخوبی مجسم میشد. با مثلا « اول کونیک » شوهرت کاملاً گویا و
و موثر بود.

« لالایی صلح » را نمین باغچه بان برای پسر حسن حیدری
کارگر شهید اصفهان قهرمان نوشته است، و نمونه‌ایست از احساس
یک هنرمند مترقی در برابر این واقعه دردناک. این احساس بصورت
ملودی است، که تا حد امکان سعی شده شکلی نزدیک به ملودیهایی
ملی خودمان داشته باشد. این پارچه دارای سه قسمت است که قسمت
اول آن (A) بعد از هشت میزان آواز شروع میشود. ملودی از نظر
ایستگاهها (توقف موسیقی روی تنهای معین) شبیه به ایستگاههای
ملودی‌های ایرانی است. باحالت ملایم و راحتی که در این قسمت حس
میشود، هنگام سکوت آوازه خوان بیانو پرشهایی که تأثیر حرکت
دارد، میکند و تنوعی به اثر میدهد، و باز بعد از ایجاد یک آرامش
آوازی با ملایمت اول ولی با تغییراتی شروع میشود. همین شکل یکبار
دیگر تکرار میشود که برای تکمیل شعر یا موسیقی است. قسمت دوم (B)
از هشت میزان شروع قسمت اول تأثیر میگیرد و بسط پیدا میکند. در
روی جمله «چون ریک در بیابان، چون آب در دریا...» بنظر می‌آید
که اثر به نقطه اوج خود رسیده ولی پس از ملایم شدن فوری موسیقی
بنسب پیانو و شروع مجدد آوازی به نقطه بلندتری میرسد که در حقیقت
نقطه اوج اصلی است. این عمل در عین اینکه تأثیری از قواعد آهنگسازی
رمانتیک است. قدرت آهنگساز را میرساند.

بعد با نزدیک شدن بشکل قسمت اول (A) و ملایم شدن
به قسمت سوم می‌پردازد، که همان قسمت اول است با کمی تغییر
در کودا (خانه) پارچه با سکونت بیشتری تمام میشود.
سازنده اثر در قسمت اول و سوم یک سکونت و در قسمت دوم
هیجانی را میخواهد نشان دهد.

همانطور که سازنده سعی کرده در ملودی و آرمینی موزیک
مفهوم موسیقی ملی (تا اندازه‌ای حفظ کند، بهتر بود در فورم هم این
کوشش میشد. زیرا با وجودیکه سازنده خود را آزاد گذاشته، باز هم
تابع فورم (A.B.A.) است که از فورمهای موسیقی غرب است.

نمایشگاه نقاشی چکوسلواکی

چندی پیش در براک نمایشگاه نقاشی سالهای (۱۹۴۹-۵۱) افتتاح شد.

هنرمندان چکوسلواکی با شعار «فرهنگ ما از مردم الهام می گیرد، برای مردم خلق می کند و متعلق به مردم است» در این نمایشگاه شرکت کردند.

آثار این هنرمندان نمودار خوبی از وضع پر جوش و خروش و امید بخش چکوسلواکی امروز بود که در هر گوشه آن کارخانه‌ای برپا می شود، ماشین‌بیکار می افتد، قهرمانان تازه‌ای پدید می آیند و روابط جدیدی میان افراد ملت پیدا می شود. زندگی نو موضوع اصلی آثار تازه هنرمندان چکوسلواکیست که در راه «رنالیسم سوسیالیستی» گام می نهند.

یکی از تابلوهائی که در این نمایشگاه زیاد جلب توجه کرد «بامداد روزی از فوریه» اثر «چوم بلیک» بود. خوانندگان میدانند که در فوریه سال ۱۹۴۸ ملت چکوسلواکی برای باطل کردن توطئه دشمن زمام امور را بدست گرفت. کسانی که فیلم «توطئه محکومین» را در فستیوال اخیر دیده‌اند منظره‌ای از این قیام ملی را می‌توانند در نظر مجسم سازند. تابلو «بامداد روزی از فوریه» که در این شماره چاپ شده سحر گاه یکی از روزهای فوریه ۱۹۴۸ را نشان میدهد: سکوت سحر گاهی همه جا را فرا گرفته. در هوای کرگ و میش پیش از طلوع آفتاب برف بر روی در آهنی و دیوارهای کارخانه

اجرای این پارچه همانطور که حس میشد و خود سازنده انتظار داشت کاملاً باحالت بود و در دو قسمت اول و سوم بدون (ویراسیون) ارتعاش اجرا شد، و در قسمت دوم هیچان لازم نشان داده شد. فعالیتهای هنرمندانه بانو تولین باغچه بان در تنظیم رسیتهایا مورد توجه علاقمندان هنراست.

آنها که مرده‌اند ...

شهیدان ۲۴ تیر

آنها که مرده‌اند نمرند ،
 از ماکسی نمر در آنروز .
 دشمن نمود آنها بیداد ،
 اما نشد از آنها بیروز .
 آنها به تیر دشمن خونریز
 از پادر آمدند سرافراز .
 تا در مسیر خویش نویسنده
 با خون سرخ فام یکی راز :

خونها بسی بروی زمین ریخت ،
 بس آرزو بسینه درون مرد .
 بسیار کشته شد ز رفیقان .
 دشمن ولی شکست ز ما خورد .
 رازیکه ایست داده بتاریخ
 (تاریخ رنج بردن انسان)
 بگشوده شاهراه جدیدی
 در پیش پای خلق پریشان !

هنکام بازگشت - در پفا !
 از جمع ما نبود تنی چند .
 چندین نفر ز جمع رفیقان
 هنکام بازگشت نبودند .
 آری ! بخون سرخ نوشتند
 آنروز را ز خوبستن آنها .
 ذین رو نمرده‌اند و نمرند .
 از ماکسی نمر در آنجا !

سفیدی می‌زند. بر در کارخانه کارگر تکمیلان تفنگ بدوش، مسموم و منظم
 ایستاده است، دوتن دیگر در باره دستوری که باید اجرا شود گفتگو
 می‌کنند قیافه‌ها مطمئن و پر امید است. همه میدانند که امروز باطلوع
 آفتاب، خورشید آزادی ملت چکسلواکی هم سر بر می‌آورد. نقاش
 نیروی این مردم را در سلاحهای آنان نشان نمیدهد زیرا تفنگها تقریباً
 بچشم نمی‌آیند، بلکه کوشیده نیروی حقیقی و تاریخی آنان را در قیافه‌ها
 و حالت پاهای او دستها بنمایاند. سادگی کمپوزیسیون به نقاش فرصت داده
 که نیروی ملت را در این سه تن بطور مشخص و متمرکز مجسم سازد.
 در کنار تابلوهای تاریخی آناری مربوط به کارنر بخش و
 خلاق ملت دیده می‌شود. از آن جمله می‌توان «قبل از تعویض» اثر
 «یا رومیر سخرژ» را نام برد. در این تابلو دو دسته از کارگران
 نوینی معدن دیده میشوند که جای خود را عوض می‌کنند.
 باید در انتظار نتایج عالیتری از هنر چکسلواکی بود.